

هو العليم

فضیلت زیارت قبر امام حسین علیه السلام از منظر مرحوم علامه طهرانی

آیة الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی

اربعین در فرهنگ شیعه

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از شعائر مختصّ شیعه که در هیچ مکتب و ملّتی نظیر و مشابهی برای او نمی‌توان یافت مسأله اربعین حضرت أباعبدالله الحسین علیه السّلام است و این از اختصاصات فرهنگ تشیع است. زیارت مخصوصه آن حضرت در روز اربعین شعار مخصوص شیعه است، و برای هیچ فردی از سایر معصومین علیهم السّلام حتّی برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم این مسأله وجود ندارد. زیارت حضرت سید الشهداء علیه السّلام در روز اربعین و اقامه مجلس عزا برای آن حضرت فقط اختصاص به ایشان دارد و از مختصّات شیعه می‌باشد که امام حسن عسگری علیه السّلام آن را به عنوان شعار و علامت شیعه بیان فرموده اند؛ چنانچه سر بر خاک گذاردن، و بسم الله را بلند گفتن، و نوافل را طبق دستور ائمّه معصومین علیهم السّلام بجای آوردن، و انگشتر در دست راست نمودن نیز از اختصاصات شیعه است. ذیلأً روایاتی در باب زیارت قبر شریف امام حسین علیه السلام که مرحوم علامه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی رحمة الله علیه در جلد شانزدهم کتاب شریف امام شناسی آورده از منظر شریف خوانندگان می‌گذرد.

در کتاب «الفردوس الاعلی» از دیلمی روایت است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: موسی ابن عمران از پروردگارش مسألت نمود تا زیارت قبر حسین بن علی علیهما السلام را بنماید و با معیت هفتاد هزار ملائکه زیارت قبرش را کرد.

و أبان بن تغلب از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت گفت: وَ كَلَّ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكًا شُعْنًا غُبْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ. فَمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ شَيْعُوهُ حَتَّى يَبْلُغُوهُ مَأْمَنَهُ، وَ إِنَّ مَرَضَ عَادُوهُ غَدَوَةٌ وَ عَشِيَاءٌ، وَ إِذَا مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ. «خداوند در اطراف قبر حسین علیه السلام چهار هزار فرشته گماشته است که همگی با موهای ژولیده و پریشان و با صورت های خاک آلوده بر وی تا روز قیامت می‌گریند. پس کسی که او را با معرفت به حقّش زیارت کند او را بدرقه می‌کنند تا به مأمنش برسانند و اگر مریض گردد وی را هر صبح و شب عیادت کنند، و اگر بمیرد جنازه‌اش را تشییع کنند و برای او از خداوند طلب غفران نمایند تا روز قیامت.»

و از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام مروی است که فرمود: مُرُوا شَيْعَتَنَا بِزِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَإِنَّ زِيَارَتَهُ تَدْفَعُ الْهَدْمَ وَ الْحَرَقَ وَ الْغُرُقَ وَ أَكْلَ السَّبْعِ، وَ زِيَارَتَهُ مَفْتَرِضَةٌ عَلَى مَنْ أَقْرَبَ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ. «شیعیان ما را امر کنید به زیارت حسین علیه السلام زیرا زیارتش انسان را از آوار بر سر فرود آمدن،

و از آتش سوزی، و غرق شدن، و طعمه درندگان گردیدن حفظ می‌نماید و زیارت او از جانب خدا واجب شده است بر کسی که اقرار به امامت او داشته باشد.»

اسحاق بن عمار روایت نموده است که: امام صادق علیه السلام فرموده اند: ما بین قبر الحسین إلى السماء السابعة مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ. «ما بین قبر امام حسین علیه السلام تا هفتمین آسمان محل رفت و برگشت فرشتگان است.»

از حضرت امام کاظم علیه السلام وارد است: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ. «هر کس با حق معرفت، حسین را زیارت کند گناهان گذشته و آینده او آمرزیده می‌شود.»

و از حضرت امام صادق علیه السلام روایت است: روزی حسین - صلوات الله علیه - در دامان پیامبر نشسته بود و پیامبر با او بازی می‌کرد و وی را خنده می‌انداخت. عائشه گفت: چقدر سُرورت از این پسر بچه زیاد است؟!

پیامبر فرمود: وای بر تو چگونه این طور نباشد با وجود آنکه او میوه دل من و موجب تر و تازگی چشم من می‌باشد؟! آگاه باش: امت من او را خواهند کشت. پس کسی که او را بعد از شهادتش زیارت کند، خداوند برای او یک حج از حج‌های مرا می‌نویسد.

عائشه گفت: یا رسول الله یک حج از حج‌های شما؟! فرمود: آری دو حج از حج‌های من.

عائشه گفت: دو حج از حج‌های شما؟! فرمود: آری سه حج. و به همین ترتیب پیوسته عائشه زیاد می‌نمود و پیامبر بالا می‌برد و مضاعف می‌گردانید تا به هفتاد حج از حج‌های پیامبر بالغ شد با عمره هائی که با آن حج‌ها پیامبر بجای آورده است.^۱

و در رساله «مقنعه» و مزار کلینی با اسنادش از امام رضا علیه السلام روایت است که: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَطِّ الْفِرَاتِ كَانَتْ لَهُ زَارَةُ اللَّهِ فَوْقَ عَرْشِهِ. «هر کس قبر اباعبدالله علیه السلام را در شطّ فرات زیارت نماید همچنان است که خداوند را در بالای عرش او زیارت کرده است.»

رقعه‌هائی که از آسمان به زمین می‌آید برای امان زائر اباعبدالله علیه السلام

همچنین مرحوم علامه طهرانی رضوان الله علیه در جلد دوم کتاب انوارالملکوت می‌نویسد: روایات در ثواب زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام زیاده از حدّ إحصاء است؛ لیکن در اینجا

^۱ امام شناسی، ج ۱۶ و ۱۷، ص ۶۱۹، تعلیقه.

یک حکایت لطیفی را از مرحوم شیخ محمد بن المشهدی که در کتاب «مزار کبیر» خود آورده است نقل می‌کنیم: سلیمان اعمش گوید که: در کوفه منزل داشتم و مرا در آنجا همسایه ای بود که طریق اهل بیت نداشت؛ من بعضی از اوقات با او می‌نشستم و مذاکره می‌نمودم. در شب جمعه ای به او گفتم: تو چه می‌گویی در زیارت حسین علیه السّلام؟ گفت: بدعت است و هر بدعت ضلالت است. و هر ضلالت در آتش است!

من با نهایت خشم از نزد او برخاستم و به منزل آمدم، و با خود گفتم: چون سحر شود به نزد او می‌روم و از فضایل مولا امیرالمؤمنین آنقدر برای او نقل می‌کنم که از شدت حزن و غصه چشمانش گرم شود. سحر به منزل او رفتم و در زدم، صدا از پشت در آمد که در منزل نیست و به زیارت حسین به کربلا رفته است. تعجب نمودم و به شتاب به سمت کربلا حرکت کردم. آن شیخ را دیدم که سر به سجده گذارده، و از رکوع و سجود خستگی نداشت. بدو گفتم: تو می‌گفتی که زیارت حسین بدعت است و هر بدعت ضلالت و هر ضلالت در آتش است! چه شد که خود به زیارت آمدی؟!

گفت: ای مرد! مرا ملامت مکن که من از حقانیت اهل بیت خبری نداشتم. دوش که به خواب رفتم مردی را در خواب دیدم که نه بلند بود نه کوتاه، و از نهایت حسن و بهاء نمی‌توانم توصیف کنم. او راه می‌رفت و اطراف او را هاله وار جماعتی احاطه کرده بودند. و جلوی این جماعت مردی بر اسبی سوار بود که دم اسب او چند بافت داشت، و این مرد تاجی بر سرش بود که چهار گوشه داشت، و بر هر گوشه جواهری رخشان بود که در ظلمات شب هر کدام مسافت سه روز راه را روشن می‌کرد. پرسیدم: آن مرد که دور او را گرفته‌اند کیست؟ گفتند: محمد بن عبدالله خاتم النبیین است. پرسیدم که این سوار که در جلو می‌رود کیست؟ گفتند: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است. آنگاه بر آسمان نظر افکندم دیدم ناقه ای از نور، و بر آن هودجی است و در هوا حرکت می‌کند. گفتم: این از آن کیست؟ گفتند: از آن خدیجه بنت خویلد و فاطمه زهراء. گفتم: آن جوان کیست؟ گفتند: حضرت حسن مجتبی.

گفتم: این جماعت و این هودج همگی به کجا می‌روند؟ گفتند که شب جمعه است و همگی به زیارت کشته شده به تیغ ستم، سید الشهداء حسین بن علی به کربلا می‌روند. آنگاه متوجه هودج شدم، دیدم رقعۀ هائی از آن به زمین می‌ریزد و بر روی هر یک از آنها نوشته است: أمانٌ مِنَ النَّارِ لِزُورِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ؛ [امان از جانب پروردگار است برای زائرین حسین علیه السّلام در شب جمعه از آتش دوزخ]

آن وقت هاتفی ندا کرد ما را که: آگاه باشید که ما و شیعیان ما در درجه عالیہ ای در بهشت قرار خواهیم داشت! ای سلیمان! من از این مکان مفارقت نمی کنم تا روح از بدنم مفارقت کند.

مرحوم شیخ نوری گوید که: مرحوم طریحی آخر این خبر را چنین نقل کرده است که آن شیخ گفت: ناگاہ دیدم رقعہ ہائی از بالا بہ زمین می ریزد. سؤال کردم کہ چیست؟ گفتند کہ: این رقعہ ہای امان است برای زوار حسین علیہ السلام در شب جمعہ. من یکی از آنها برای خود طلب کردم. گفتند: این رقعہ ہا حقّ تو نیست! تو می گوئی زیارت حسین بدعت است! ہرگز از این رقعہ ہا نخواہی یافت تا آنکہ زیارت کنی حسین علیہ السلام را و اعتقاد کنی بہ فضل و شرافت او!

پس من از خواب بیدار شدم و ہراسان بودم، و در همان ساعت قصد زیارت سید خودم حسین علیہ السلام را نمودم.